



نقد کتاب

پدیدآورنده (ها) : مطیع، ناهید

علوم اجتماعی :: نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی) :: بهار ۱۳۸۱ - شماره ۱۷ (ISC)

صفحات : از ۱۵۵ تا ۱۶۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/365825>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۳/۰۷/۲۹

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- واره؛ یک تعاونی به وسعت ایران؛ درباره ی تلاش اکتشافی دکتر فرهادی در تولید دانش بومی
- واره؛ گمنام و بی‌آوازه (پژوهشی در باب نوعی تعاونی کهن و زنانه در مدیریت شیر)
- مرتضی فرهادی و مسئله توسعه‌نیافتگی ایران
- معرفی و نقد کتاب: واره (انتقاداتی چند از شیوه اطلاع رسانی گزینش کتاب سال جمهوری اسلامی)

عناوین مشابه

- نقد و بررسی کتاب گزارش فنی زلزله بم
- میزگرد هفدهمین نشست کتاب ماه علوم و فنون (نقد و بررسی آموزش های فنی و حرفه ای) (۱)
- نقد و بررسی کتاب های پزشکی (۲)
- نقد کتاب: پژوهشی در ترجمه کتاب «نهج الفصاحة»
- نقد و بررسی کتاب
- نقد: بررسی و ارزیابی نمادگرایی یونگ در کتاب انسان و سمبول هایش
- نقد و بررسی کتاب (جنگ روانی)
- نقد و بررسی کتاب: چالش های هویت در امریکا
- نقد الکتب ملاحظات علی کتاب شرح القوائد التسع المشهورات
- معرفی و نقد کتاب: «اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن»

نقد کتاب

دکتر ناهید مطیع**



واره

نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران

درآمدی به مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون و مشارکت مردمی

نویسنده: دکتر مرتضی فرهادی

ناشر: وزارت جهاد کشاورزی

معاونت ترویج و مشارکت مردمی

چاپ اول: ۱۳۸۱

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه، تعداد صفحات: ۶۲۷

بها: با جلد شومیز ۲۸۰۰۰ ریال

با جلد گالینگور ۳۱۰۰۰ ریال

«واره» یا نوعی تعاونی سنتی کهن و زنانه در ایران عنوان کتابی است از دکتر مرتضی فرهادی که به تازگی منتشر شده است. آنچه بیش از هر چیز مرا واداشت تا نقدی بر کتاب فوق

** دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر مسائل زنان در ایران و عضو هیئت علمی

بنویسم، نه مضمون زنانه آن و نه نبودن آن است، بلکه عشق و ایمان نویسنده کتاب به امر تحقیق و موضوع تحقیق است که در جای جای سطور کتاب به وضوح خود را نشان می‌دهد. از این رو کتاب واره کتابی نیست که ما به طور معمول در جهان آکادمیک امروز با آن سروکار پیدا می‌کنیم. این کتاب بیانگر تلاش همه‌جانبه، توان‌فرسا و مداوم محقق است که عاشقانه طی پنجاه سال برای شناسایی یکی از سازمان‌های غیررسمی زنان ایران اقدام کرده است.

شاید بتوان گفت به همین دلیل است که همه ویژگی‌های این کتاب با چارچوب‌های رایج و امروزی پژوهش در ایران کاملاً تفاوت دارد.

گسترده‌گی نمونه مورد مطالعه یکی از این ویژگی‌هاست، به طوری که جامعه نمونه شامل ۲۲۴ روستا و مال از ۸۳ شهرستان می‌شود که در قلمرو بیست استان و فرمانداری کل از مجموع ۲۴ استان ایران قرار داشته‌اند، تا حدی که گسترده‌گی نمونه به طور نسبی می‌تواند کل جامعه روستایی ایران را پوشش دهد.

دومین ویژگی حیرت‌انگیز این پژوهش روش مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات است. معمولاً تحقیقاتی که جامعه نمونه گسترده‌ای دارند، با روش‌های پنهان‌نگر و سطحی مطالعه می‌شوند. اما روش غالب در این کتاب از طریق مصاحبه‌های غیرساختاری (عمیق) و مشاهده مشارکتی در محل گرد آمده است. این مصاحبه‌ها فردی، دسته‌جمعی، دقیق و مستلزم صرف وقت بسیارند و حوصله و توان فراوان می‌طلبند.

به‌علاوه، محقق به اطلاعات جمع‌آوری شده خود بسنده نکرده، بلکه گزارش‌های میدانی دانشجویان خود، پایان‌نامه‌ها و پژوهشنامه‌های چاپ‌نشده پیرامون موضوع را نیز جمع‌آوری کرده و به کار گرفته است. این ویژگی در جهان آکادمیک امروز نامتعارف به نظر می‌رسد؛ زیرا پژوهش‌های معمول در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی معمولاً یا محدود به یک یا چند حوزه خاص است که با روش‌های عمیق انجام می‌شود، یا در حوزه‌های گسترده‌تر که روش‌های سطحی را می‌طلبند، صورت می‌پذیرد.

ویژگی سوم این کتاب آن است که محقق برای اجرای این تحقیق از هیچ نوع پشتیبانی مالی و امکانات سازمانی دولتی و غیردولتی برخوردار نبوده است. بنابراین با توجه به گسترده‌گی

جامعه مورد بررسی و شیوه‌های تحقیق، می‌توان گفت که وی تقریباً به اجرای پژوهش‌های ناممکن دست یازیده است.

نکته بعدی این است که محقق با رجوع به بیش از ۳۵۲ منبع (۲۷۷ منبع چاپ‌شده و ۷۵ منبع چاپ‌نشده) هم توانسته است تمامی منابع مربوط به موضوع خود را شناسایی و مطالعه کند، هم با چنین مطالعه گسترده‌ای به طرح چارچوبی نظری، مستدل و قابل دفاع نایل آمده است. این ویژگی شاید در میان پژوهش‌های موجود بی‌نظیر باشد، زیرا در پژوهش‌های توصیفی و میدانی توجه محوری محقق بر بررسی موضوع تحقیق در جامعه مورد مطالعه است.

نویسنده کتاب در واقع با جمع‌آوری این نوشته‌ها منبع بی‌بدیل و کاملی هم از موضوع مورد مطالعه (واره) و هم از جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی روستایی در اختیار ما قرار می‌دهد و همچنین به دفاع از چارچوبی نظری می‌پردازد که در جهان مدرن امروز، مهجور، عقب‌مانده، غیرقابل دفاع و فراموش شده می‌ماند.

شناسایی سنت‌ها، شیوه‌های پیشین زندگی و تأمین معیشت زنان روستایی و ایلاتی، خود به خود موضوعی است که با معیارها و میزان‌های امروزی شده ما نمی‌خواند و امری بی‌فایده و بی‌اهمیت به نظر می‌آید، چه رسد به این‌که بر ضرورت این شناخت برای پیشبرد هدف‌های انسانی توسعه تأکید شود؛ یعنی دفاع از چارچوبی نظری که ظاهراً چه در میان سیاست‌گذاران و چه در میان جامعه آکادمیک، خریدار چندانی ندارد و در صورت مطرح شدن نیز به شکلی نمایشی باقی می‌ماند.

ویژگی قابل توجه دیگر پژوهش، اشاره محقق به اصطلاح «یاربگزان» است که شامل همکاران، راهنمایان و همسفران (۶۶ نفر) و راویان و مصاحبه‌شوندگان (۲۹۱ نفر) می‌شود. محقق با بیان فهرست نام ایشان در واقع به ما خاطر نشان می‌کند که بدون یاری این افراد، امر تحقیق ممکن نبوده است. به علاوه، تهیه چنین فهرستی بیانگر احترام پژوهشگر به مردمی است که اطلاعات خود را بدون هیچ چشم‌داشتی در اختیار وی قرار داده‌اند. در واقع این امر کتاب واره را به پژوهشی مردم‌مدار تبدیل می‌سازد که ناشی از اعتقاد و احترام محقق به مردم و

همتراز دانستن آن‌ها با خود است.

همچنین باید گفت که محقق در بررسی پدیده «واره» از هیچ بعدی غافل نمانده است. در فصل نخست، همان طور که پیش تر نیز گفته شد، محقق به معرفی جمعیت نمونه، دلایل گزینش مناطق و مشکلات کار تحقیق می‌پردازد.

در فصل دوم، پیشینه واره در فرهنگ و اقتصاد ایران با رجوع به نام‌های مختلف آن و تطور آن در فرهنگ دامداری مورد توجه قرار می‌گیرد.

در فصل سوم، زمینه‌های فرهنگی تداوم واره با استناد به مقدس بودن شیر توضیح داده می‌شود.

در فصل چهارم، کارکردهای واره اعم از اقتصادی و اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل پنجم، سازمان واره، یعنی رده‌بندی اجتماعی آن بر اساس معیارهای گزینش مبتنی بر هدف‌های اقتصادی و غیراقتصادی توصیف می‌شود.

در فصل ششم، به آیین‌های نمادین «واره» و جشن‌های مربوط به آن اشاره می‌شود. فصل هفتم زمان بردن شیر به «واره» و مکان تحویل آن را شرح می‌دهد. در فصل هشتم، با روش‌های اندازه‌گیری و محاسبه شیر آشنا می‌شویم که برای ما بسیار ناآشنا و غیرمعمول است.

در فصل نهم، قواعد و آیین‌های گردش «واره» یا تعیین نوبت هموارگان به تفصیل بررسی می‌شود و فصل پایانی به اوقاتی اشاره می‌کند که سازمان «واره» تعطیل می‌شود.

نکته قابل توجه این است که تقریباً در تمامی این فصل‌ها با نمودارها، جدول‌ها، طرح‌ها و طبقه‌بندی‌های بدیعی روبه‌رو می‌شویم که نشان‌دهنده نوآوری و مهارت محقق در ساختن فضایی است که خواننده را در فهم مطالب پیچیده یاری می‌کند.

سرانجام نباید فراموش کرد که نویسنده کتاب در پژوهش توصیفی خود توانسته است مفاهیم جدیدی را در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاون وارد کند؛ مفاهیمی همچون هموارگان، همیاری همگرا یا واگرا، خانه‌خواه‌یابی، شگرد «وری اوری»، «آستانه رسایی» و...

اما آنچه در این پژوهش بی‌بدیل، زنده و شگفت‌انگیز از قلم مانده است، پاسخ به همان

پرسشی است که محقق در فصل آغازین کتاب به طرح آن می‌پردازد؛ یعنی، مطالعه چنین پدیده‌هایی که در حال زوال و نیز تغییر شکل یافتن است، چه نتیجه‌ای در پیشبرد هدف‌های انسانی توسعه دارد؟

کتاب متأسفانه فاقد فصل نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای بحث‌ها و مضامین تحقیقات بعدی است. در این باره شاید گفته شود که در پژوهش‌های مردم‌شناسی رسم بر این است که توصیف پدیده‌ها بدون نتیجه‌گیری باقی بماند. اما همان‌طور که اشاره کردم، کتاب حاضر دارای ویژگی‌هایی است که آن را در زمره یک تحقیق صرف و متعارف مردم‌شناسی قرار نمی‌دهد.

بنابراین چرا محقق که با چنین دقت و وسعتی به بررسی موضوع پرداخته است، از فواید عملی پژوهش خود برای برنامه‌ریزان، صاحب‌نظران و طراحان توسعه روستایی سخن نمی‌گوید و مخاطبان را با پرسش‌های زیر روبه‌رو می‌سازد:

- نتیجه مطالعه کتاب *واره* در جامعه‌شناسی توسعه روستایی چیست؟

- «واره» در فرآیند خود به پذیرش اجباری چه شرایطی تن داده است و وارثان «واره» در هیئت کارخانه‌های مدرن دامداری چگونه می‌توانند از فنون و شیوه‌های سنتی این تعاونی گسترده استفاده کنند؟

- با ازمیان رفتن «واره» و سست شدن اهمیت آن، کارکردهای اجتماعی این سازمان اجتماعی را کدام نهاد جایگزین انجام می‌دهد و آیا اساساً نهاد جایگزینی برای کارکردهای فوق وجود دارد؟

- تشکلهای مردمی امروزی چگونه می‌توانند از تجارب «واره» برای پیشبرد هدف‌های انسان‌دوستانه و مردمی خود بهره بگیرند؟

این‌ها همه پرسش‌هایی است که پاسخ به آن‌ها ادعای کسانی را که چنین مطالعاتی را بهبود می‌دانند و حتی ریشخند می‌کنند، زیر سؤال می‌برد. پس چگونه می‌توان گره کور استفاده از سنت‌ها را در فرآیند نوسازی و مدرن‌شدن باز کرد؟

البته باید گفت که نویسنده نسبت به چنین پرسش‌هایی کاملاً هم‌بی‌اعتنا نیست و در بخشی از مقدمه، فواید نظری مطالعه «واره» را به تفصیل توضیح داده و حتی به فواید کاربردی آن نیز تا

حدی در فصل‌های مختلف اشاره کرده است. نگاهی به نوشته‌های پیشین نویسنده نیز نشان می‌دهد که وی توجه به دانش بومی را کلید مشکلات دوران معاصر بر می‌شمرد.

نهایتاً نکته اصلی این است که جای «نتیجه‌گیری، بحث و پیشنهاد» در کتاب بسیار خالی است. «نتیجه‌گیری» می‌توانست هم شامل جمع‌آوری فواید کاربردی مطالعه «واره» از همه فصل‌های کتاب باشد و هم به طرح پرسش‌های جدیدی بپردازد که زمینه‌ساز ادامه راه دیگر محققان و اندیشه‌گران این حوزه باشد.

در پایان آرزو می‌کنیم همان‌طور که در سطر سطر کتاب موجی از عشق و اعتقاد به مردم این مرز و بوم دیده می‌شود، نویسنده نیروی لازم را برای تداوم این حرکت و پاسخ به پرسش‌های کلیدی فوق به دست آورد.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی